

دوره سه جلدی

آیینہ ہای کوچک

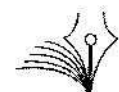
فرہنگ ریشہ ہای غرب المشرق، اصطلاح ہا و باور ہا

جلد اول

پروش و نگارش

استاد حسن شیدا

سرشناسه	: شیدا، حسن، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: آئینه‌های کوچک: فرهنگ ریشه‌های ضرب‌المثل‌ها، اصطلاح‌ها و باورها / پژوهش و نگارش حسن شیدا.
مشخصات نشر	: تهران: موسسه چاپ و انتشارات یادواره اسدی، ۱۳۹۱ -
مشخصات ظاهری	: ج: مصور.
شابک	: ج: ۱-۵۱-۳۸-۸۷۱۵-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: فارسی -- ریشه‌شناسی
موضوع	: ضرب‌المثل‌ها در ادبیات
موضوع	: ضرب‌المثل‌های فارسی
موضوع	: ضرب‌المثل‌های ایرانی
رده بندی کنگره	: PIR ۱۳۹۱۲۹۲۱ / ۹۱۹ش
رده بندی دیویی	: ۲۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۷۳۰۳۷



انتشارات یادواره اسدی

انتشارات ناامن الاثمه - انتشارات زهره

نام کتاب: آئینه‌های کوچک

فرهنگ هنر در ریشه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاح و باورها

ناشر: انتشارات یادواره اسدی

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲

قطع: وزیری

قیمت دوره سه جلدی: ۱۲۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: مدیران (۰۲۱۶۶۴۹۳۷۹۰)

نشانی ناشر: شهر جدید پردیس میدان عدالت پاساژ ولیعصر طبقه دوم پلاک ۱۴۰

همراه ۰۹۱۲۴۸۵۶۵۷۵ اسدی تلفن: ۷۶۲۷۷۷۶۶

حق چاپ برای انتشارات یادواره اسدی محفوظ است

هر گونه برداشت پیگرد قانونی دارد

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
معنی چند واژه	۳۳
سخنی در آغاز	۳۵
نظریه دکتر نظام الدین نوری	۵۹

کتاب نخست

(جستاری در ریشه‌ها)

• ماست مالی کردن!	۶۵
• ماست‌ها را کیسه کردن!	۶۷
• همیشه شعبان، یک دفعه هم رمضان!	۷۰
• سگ پاسوخته!	۷۱
• از دنده (یا: پهلوی) چپ بلند شدن!	۷۲
+ چپ زدن	
+ چپ کردن	
+ خواب زن چپ است!	
+ چپ چپ نگاه کردن!	
+ دست (یا: چشم) راست کسی بودن	
+ لقمه چپ!	
+ چپی بودن (در عالم سیاست)	
• مرگ می‌خواهی برو گیلان!	۷۶
• خیال می‌کند پسر (یا: دختر) «آتورخان رشتی» است!	۷۷
• با زبان خوش مار را از سوراخ بیرون کشیدن!	۷۸

- هندوانه زیر بغل کسی گذاشتن! ۸۰
- سوراخ دعا را گُم کردن! ۸۱
- عَلاَف شدن! ۸۳
- هَر را از بَر تشخیص نمیده! ۸۵
- اشک تمساح! ۸۷
- فلانی کاری نداره بکنه، جوال دوز به تُخمَش می‌زنه! ۸۸
- + یک سوزن به خودت بزن، یک جوال دوز به مردم!
- خود را به موش مُردگی زدن! ۹۰
- از پشت خنجر زدن! ۸۹۰
- دو قورت و نیمش باقی است! ۹۳
- پیروز لای پالان کسی گذاشتن! ۹۵
- باسمه‌ای ۹۶
- ستون پنجم ۹۸
- پَته کسی را نخواندن! ۱۰۰
- + پته روی آب افتادن!
- کسی را سرطاس نشانیدن! ۱۰۲
- طُقیل - طُقیلی ۱۰۴
- شتر دیدی، ندیدی! ۱۰۷
- گُل انداختن - گُل کردن ۱۰۸
- عصبی شدی، آب بخور! ۱۱۰
- سر را سبک کردن! ۱۱۲
- + سبک سر - سبک مغز
- + سرسنگین شدن
- گورت را گُم کن! ۱۱۴

+ گور به گور شده!

+ گم و گور

- ۱۱۵ توهم اخلاق سگ مرا داری!
- ۱۱۶ بایکوت
- ۱۱۷ در دروازه را می توان بست، اما دهان مردم را نمی توان بست!
- ۱۲۸۱۳۰ من دارم با تو حرف می زنم، تو مگس می شماری!
- ۱۳۱ شب سمور گذشت و لب تنور گذشت!
- ۱۳۲ چیزی که عوض دارد، گله ندارد!
- ۱۳۴ تیغ زدن!
- ۱۳۶ وقت ندارم زنم را طلاق بدهم!
- ۱۳۹ آنچه تو خوانده ای، من ازیر کرده ام!
- ۱۴۱ آدم گرسنه دین و ایمان ندارد!
- ۱۴۴ صدایش فردا در می آید!
- ۱۴۶ نسناس
- ۱۴۸ نعل در آتش نهادن!
- ۱۵۲ برو کشکت را بساب (بسی)
- ۱۵۳ موش دواندن!
- ۱۵۷ علی می مونه و حوضش!
- ۱۵۹ اگه علی ساربونه، می دونه شتر را کجا بخوابونه!
- ۱۶۰ به ریش خود خندیدن!
- ۱۶۱ هم ریش

+ به ریش کسی بستن!

+ به ریش کسی چسباندن!

+ ریش گرو گذاشتن!

+ به ریش گرفتن!

+ به ریش کسی خندیدن!

+ قاطی مرغها شدن!

• جانماز آب کشیدن ۱۶۵

• یک نظر حلال است! ۱۶۵

• اول ما خلق الله کسی خراب بودن! ۱۷۰

• کنیز مُلا باقرا! ۱۷۱

• گربه رقصاندن - گربه رقصانی! ۱۷۲

• بادمجون بم آفت نداره! ۱۷۳

• بی بند و بار ۱۷۴

• نان به هم قرض دادن ۱۷۵

• سوتی دادن! ۱۷۵

+ بَل گرفتن

• بی‌بخار بودن! ۱۷۷

• تازی وقت شکار ریدنش می‌گیرد! ۱۷۸

• رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز! ۱۷۹

• حرف خود را به کُرسی نشانندن! ۱۸۱

• سنگ رویخ! ۱۸۴

• زیر کاسه نیم کاسه‌ای است ۱۸۵

• خیال می‌کند علی‌آباد هم شهری است! ۱۸۵

• جنگ زرگری! ۱۸۶

• دست کسی را در پوست گردو گذاشتن! ۱۸۷

• آفتابی شدن ۱۸۸

• المفلس فی امان الله! ۱۸۹

- مثل کبک سرش را زیر برف می‌گنه! ۱۹۱
- کسی را دنبال نخود سیاه فرستادن! ۱۹۲
- کاسه لیبی! ۱۹۳
- تَرش کردن! ۱۹۳
- از خجالت آب شدن! ۱۹۵
- انگار از دماغ فیل افتاده! ۱۹۷
- یابو (یا: خر) ورش داشته! ۱۹۸
- پیله کردن! ۱۹۹
- دست و پا را گم کردن! ۲۰۰
- سروته یک کرباس! ۲۰۱
- آبدوغ خیاری! ۲۰۱
- پاچه ورمالیده! ۲۰۲
- + ور دار و ورمال!
- تو زرد در آمدن! ۲۰۳
- ریش و قیچی دست خودت! ۲۰۴
- سر ضرب ۲۰۵
- کرم (یا: کرمک) داری؟! ۲۰۶
- کک توی تُنبان افتادن! ۲۰۷
- + ککش هم نمی‌گزه!
- عهد دقیانوس ۲۰۹
- کور خود و بینای مردم! ۲۱۰
- آب ختک خوردن! ۲۱۲
- شیر بی یال (یا: گوش) و دُم و اشکم! ۲۱۳
- قشون (یا: لشکر) سلم و تورا! ۲۱۴

- مُرده را که رو بدهی، به کفنش خرابی می‌کند! ۲۱۶
- ماما خمیره! ۲۱۷
- لوله‌نگش خیلی آب بر می‌دارد! ۲۲۰
- + آدم کُلفتی (یا: دُم کُلفتی) است!
- کورمال! ۲۲۳
- طلا که پاک است، چه منتش (یا: حاجتش) به خاک است؟ ۲۲۴
- گیوه (یا: پاشنه) را ورکشیدن! ۲۲۵
- + در گیوه‌اش گشاد است!
- هرجا که تویی، تفرج آن جاست ۲۲۶
- از کله (یا: حال، یا: سرنوشت) گرگ! ۲۲۷
- با یک «کیش» می‌آیند و با یک «فیش» می‌روند! ۲۲۹
- چوب خط کسی پُر شدن! ۲۳۱
- آستین نو بخور پلوا! ۲۳۲
- دزدی که «نسیم» را بدزدد، دزد است! ۲۳۳
- زخم زبان از زخم شمشیر (یا: تبر) بدتر است! ۲۳۶
- تخم مرغ (یا: تخم کفتر) به چانه‌اش بسته! ۲۳۸
- تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود! ۲۴۰
- پوست تختش را جای خوبی پهن کرده! ۲۴۱
- قواره چون بلند شود، سرنگون شود! ۲۴۲
- گشاد بازی! ۲۴۶
- منتر کردن! - منتر شدن! ۲۴۷
- بلغور کردن! ۲۴۹
- موش از ... بلغور می‌برد! ۲۵۱
- حلقه به گوش! ۲۵۲

- ۲۵۳ عرب در بیابان ملخ می خورد! سگ اصفهان آب یخ می خورد!
- ۲۵۵ بله دیگ، بله چُفندرا!
- ۲۵۷ دو دوزه بازی کردن!
- ۲۶۰ کنیز کفگیر خورده!
- ۲۶۱ مثل گربه بی چشم و روست!
- ۲۶۲ از کوره در رفتن!
- ۲۶۲ توی خشت افتادن!
- + ناف دو نفر را برای هم بریدن!
- + داستان «آل»
- ۲۶۸ سقش را با... برداشته اند!
- ۲۶۹ «لن ترانی» گفتن!
- ۲۷۱ مُرده شویت ببرد که هرچه گنده تر می شوی، بدتر می شوی!
- ۲۷۲ برو آن جا که عرب رفت و نی انداخت!
- ۲۷۶ از شیر مادر حلال تر!
- ۲۷۸ ای والله!
- ۲۷۹ این شتری است که در خانه همه می خوابد!
- + کینه شتری!
- ۲۸۰ انشاء الله گربه است!
- ۲۸۱ اوسا (استاد) عَلم!
- ۲۸۳ با این ریش می خواهی بروی تجریش؟!
- ۲۸۴ هفت خط!
- ۲۸۷ مزن در کسی را با انگشت، که می کوبند درت را با مُشت!
- ۲۸۷ کنگر خوردن و لنگر انداختن!
- ۲۸۸ از چشمم بدی دیده ام، از شما ندیده ام!

- مثل مُرغ سرکنده! ۲۸۹
- + پرپر زدن - بال بال زدن
- + مرغ نیم بسمل
- اسمش را نیار، خودش را بیار! ۲۹۰
- حیدری و نعمتی! ۲۹۲
- از سر دسته بیل، تا ته دسته بیل، قُرْبَتاً اِلَى اللّٰه ۲۹۴
- توبه گرگ، مرگ است! ۲۹۵
- خورده بُرده! ۲۹۷
- علی بونه (بهانه) گیر! ۲۹۸
- فاطمه ارّه - یا : فاطمه سلطان ۳۱۰
- سیاه بازی! ۳۲۱
- + کسی را رنگ کردن!
- لولوی سرخرمن! ۳۲۲
- بی چشم و رویی! ۳۲۳
- قَسَمَت را باور کنم! یا دُم خروس را؟! ۳۲۳
- فِزَرَت کسی قمصور شدن ۳۲۵
- با همه بله، با ما هم بله؟! ۳۲۵
- گربه عابد شده! ۳۲۷
- از کیسه خلیفه بخشیدن! ۳۳۱
- دُم به تله ندادن! ۳۳۵
- کُمیت کسی لنگ بودن! ۳۳۶
- از ماست که بر ماست ۳۳۷
- بر قوزک پایش لعنت! ۳۳۸
- دیمی ۳۳۹

- چَم کسی را به دست آوردن! ۳۳۹
- توی کوک (یا : نخ) کسی (یا : چیزی) رفتن! ۳۴۰
- کوک شدن! - کوک کردن! ۳۴۱
- به رُخ کشیدن ۳۴۱
- ایراد بنی اسرائیلی! ۳۴۳
- گنج باد آورده! ۳۴۴
- + باد آورده را باد می برد!
- فلانی با بزرگان پیوند کرده است! ۳۴۵
- آن قدر سَمَن هست که نوبت به یاسمن نمی رسد! ۳۴۶
- آیینها را گم کرده ای؟! ۳۴۶
- آیینهُ دِق! ۳۴۷
- + دق مرگ - دق گُش!
- دمار از روزگار کسی بر آوردن! ۳۴۹
- هیزم تر به کسی فروختن! ۳۵۰
- چوب کاری ۳۵۱
- تغاری بکشند، ماستی بریزد جهان گردد به کام کاسه لیسان! ۳۵۲
- از این ستون به آن ستون فرج است! ۳۵۳
- یک سیب را که به هوا بیندازی، هزارتا چرخ می خورد! ۳۵۴
- تعارف شاه عبدالعظیمی! ۳۵۷
- مال خودش از گلوی خودش پایین نمی رود! ۳۵۹
- هرچه او خوابیده، تو بگردی! ۳۶۳
- هرچه از دست دزد در برود، گیر رمال می آید! ۳۶۴
- آبشان در یک جوی نمی رود! ۳۶۴
- هرچه رشته بودم، پنبه شد! ۳۶۶